

بایگاه اطلاعات علمی ایران



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

شور اخلاق پژوهش

بیاری از خدایان و عقاید این که عالم محضر خداست و به پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتدای فرهنگ و تمدن بشری، مادیانجویان و اعضا هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهدی کردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن بهر بود و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال مجتمعات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعدد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برابرت: التزام به برابرت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آید.



واحد صفا دشت

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب اوتاد تنها دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته حقوق خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ از پایان نامه خود تحت عنوان ارزش اثباتی علم قاضی و تعارض با ادله اثبات دعوی با کسب نمره ۱۶/۵ و درجه خوب دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم .

(۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و...) استفاده نموده‌ام ، مطابق ضوابط و رویه موجود ، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.

(۲) این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

(۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ، ثبت اختراع و...از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

(۴) چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود ، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی

اوتاد تنها

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد صفادشت

دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: حقوق خصوصی

عنوان:

ارزش اثباتی علم قاضی و تعارض با ادله اثبات دعوی

استاد راهنما

دکتر صالح خدری

نگارنده

اوتاد تنها

زمستان ۱۳۹۹

مشکر و قدردانی...

الکون که به یاری پروردگار و یاری و راهمبانی اساتید بزرگ موفق به پایان این رساله شده‌ام و وظیفه خود دانسته که نهایت سپاسگزاری را از تمامی عزیزانی که در این راه به من کمک کرده‌اند را به عمل آورم:

در آغاز از اساتید بزرگ و دانشمند جناب آقای دکتر صالح خدری که راهمبانی این پایان‌نامه را به عهده داشته‌اند کمال مشکر را دارم.

خالصانه از تمامی اساتید و معلمان و مدرسانی که در مقطع مختلف تحصیلی به من علم آموخته و مرا از سرچشمه دانایی سیراب کرده‌اند مشکرم.

تقدیم به:

به پدر گرامی ام که اولین استادم بود که همواره چتر محبتش بر سرم بود
بزرگواری که الفبای زندگی را از او آموختم

,

به مادرم، بلندتکیه گاهم، که دلمان پر مهرش یگانه بناهم بود
مهربانی که عشق ورزیدن را از او آموختم

,

و تقدیم به

همسر عزیزم، دلیل بودنم، که در تکمیل تحصیل مشوقم بود

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱.....	چکیده.....
۲.....	پیش‌گفتار.....
۳.....	فصل اول : کلیات پژوهش.....
۴.....	۱-۱ مقدمه:.....
۴.....	۱-۲ بیان مسئله:.....
۵.....	۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش:.....
۵.....	۱-۴ سوالات.....
۵.....	۱-۵ فرضیه تحقیق.....
۶.....	۱-۶ اهداف پژوهش:.....
۶.....	۱-۶-۱ اهداف غایی:.....
۶.....	۱-۶-۲ اهداف عینی:.....
۶.....	۱-۷ پیشینه پژوهش.....
۶.....	۱-۸ جنبه جدید و نوآوری پژوهش:.....
۶.....	۱-۹ روش پژوهش و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها.....
۷.....	۱-۱۰ ساختار پژوهش.....
۸.....	فصل دوم: مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش.....
۹.....	۲-۱ مقدمه.....
۹.....	۲-۲ مفهوم اثبات.....
۱۱.....	۲-۳ مفهوم علم.....
۱۶.....	۲-۴ مفهوم قضا و قاضی.....
۱۷.....	۲-۵ مفهوم دلیل.....
۱۹.....	۲-۶ اقسام دلیل:.....
۲۰.....	۲-۶-۱ بر اساس منشاء.....
۲۰.....	۲-۶-۲ تقسیم بندی بر مبنای قدرت اثباتی.....
۲۱.....	۲-۶-۳ بر اساس سوابق ادله.....
۲۱.....	۲-۶-۴ بر اساس حصری یا غیر حصری بودن دلایل.....
۲۳.....	۲-۶-۵ بر اساس ماهیت.....

۲۳	۶-۶-۲ بر اساس نیاز به استنتاج یا عدم نیاز به استنتاج
۲۵	۷-۲ مفهوم ادله:
۲۵	۸-۲ مفهوم دعوا:
۲۶	۹-۲ تعریف علم قاضی و نقش آن در امور کیفری:
۲۶	۱-۹-۲ ویژگیهای علم قاضی
۲۸	۱۰-۲ جایگاه علم قاضی در میان سایر ادله اثباتی:
۳۱	۱۱-۲ ادله اثبات دعوی در امور حقوقی
۳۲	فصل سوم: روش اجرای تحقیق
۳۳	ادله موافقین و مخالفین استناد به علم قاضی
۳۳	۱-۳ مقدمه
۳۳	۲-۳ ادله موافقین
۳۳	۱-۲-۳ قرآن کریم
۳۷	۲-۲-۳ روایات
۴۲	۳-۲-۳ عقل
۴۳	۴-۲-۳ اجماع
۴۴	۳-۳ ادله مخالفان علم قاضی
۴۴	۱-۳-۳ روایات
۴۵	۲-۳-۳ سیره پیامبر
۴۶	۳-۳-۳ حجیت علم قاضی موجب تهمت است
۴۸	۴-۳-۳ حدود الهی بنا بر مسامحه است
۴۹	۵-۳-۳ عدم فرجام خواهی از علم قاضی
۵۰	۴-۳ طرق حصول علم قاضی
۵۰	۱-۴-۳ دیدگاه حقوقی فقه
۵۲	۲-۴-۳ دیدگاه نظام حقوقی ایران
۵۴	۳-۴-۳ ارزش اثباتی علم قاضی
۵۷	فصل چهارم: بیان نتایج حاصل از تحقیق
۵۸	اثبات امور موضوعی و اثبات امور حکمی و تعارض میان علم قاضی و ادله اثبات دعوی
۵۸	۱-۴ مقدمه:
۵۸	۲-۴ شرایط دادرسی در حصول علم قابل استناد
۵۸	۲-۴-۱ رعایت مساوات

۴-۲-۲ عدالت ورزی.....	۵۹
۴-۳ استشاره.....	۵۹
۴-۴ تواضع.....	۵۹
۴-۴-۱ نداشتن غضب و خشم در قضاوت.....	۶۰
۴-۵ حصر یا عدم حصر ادله اثبات دعوا.....	۶۱
۴-۵-۱ نظر حقوقدانان.....	۶۱
۴-۶ شرایط استناد به علم قاضی.....	۶۳
۴-۶-۱ تعارض ادله اثبات دعوا.....	۶۴
۴-۶-۲ اقسام تعارض.....	۶۶
۴-۶-۳ تفاوت علم قاضی در دعوی کیفری و دعاوی مدنی و بررسی تعارض ادله قانونی...۶۷	۶۷
۴-۷ سیر تحولات علم قاضی در امور مدنی.....	۷۷
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات.....	۸۳
۵-۱ نتیجه گیری.....	۸۴
۵-۲ پیشنهادات.....	۸۴
فهرست منابع.....	۸۷
منابع فارسی.....	۸۷
مقالات تخصصی و رساله :.....	۸۸
فهرست منابع غیر فارسی.....	۸۹
منابع عربی.....	۸۹
ABSTRACT.....	۹۰

چکیده

همواره در طول تاریخ در بین اشخاص به طور عام و حقوقدانان و فقها بطور خاص این سوال مطرح بوده که آیا قاضی میتواند به علم خود حکم صادر کند؟ و چنانچه این اعتقاد وجود دارد شرایط و مبنای این علم و حکم اصداری آن چیست؟

با توجه به اینکه با گذر زمان و پیچیدگی های روابط اشخاص خصوصاً معاملات و تجارت فی مابین صاحبان سرمایه این احتمال را نیز به ذهن متبادر می کند که در صورت وقوع تعارض بین ادله ارائه شده برغم اثبات موضوع دعوی اما حکم منطبق بر حق نباشد آنچه که ذهن دادرسی را از برخورد با طرفین دعوی بخود مشغول میکند حقی است که طرف دیگر را منتفع مینماید پس تکلیف چیست؟

از سوی دیگر این علم باید به گونه ای باشد که دادرسی و دادگستری را از ایراد هرگونه ابهام و تهمت به آنها مبرا دارد هرچند حکم بسبب علم قاضی نیز باید مستند و مدلل به ادله موجود و یقین آور باشد^۱

در این بحث پس از توصیف مفاهیم مرتبط با اثبات و علمی که شایستگی دارد مستند حکم حاکم باشد به بیان نظرات موافقین و مخالفین ارزش اثباتی علم قاضی با مذاقه در آیات و روایات و نظرات شخصی حقوقدانان ها و فقه های امامیه و اهل تسنن با توجه به تعارضات موجود در گفتار ایشان چنانکه برخی صرفاً علم قاضی مجتهد را قابل پذیرش دانسته و برخی اعتقاد به پذیرفتن این علم در امور کیفری داشته و امور مدنی و حقوقی را مستثنی از آن می دانند و از سویی با بررسی تقسیمات ادله و تعارضات موجود فی مابین دلایل اثبات و تعیین جایگاه علم قاضی در قوانین موضوعه ایران به توصیف تعارض علم قاضی ، علمی که مورد وثوق بوده و از راه های متداول علمی و حقوقی برای دادرسی بوجود آمده با سایر ادله اثبات دعوی که در قانون نیز ذکر شده و از سوی دیگر در واقع از تدقیق در قوانین جاری و ساری چه در امور حقوقی و چه کیفری ، چنین استفاد می گردد که علم دادرسی با شرایط خاص مورد پذیرش قرار گرفته و نه به عنوان یکی از ادله اثبات بصورت مطلق بلکه با توجه به وضعیت سایر دلایل و رعایت اصل تناظر و دیگر محتویات پرونده مورد رسیدگی ، پرداخته شده است.

کلید واژه

علم قاضی - ادله اثبات - تعارض ادله - حق الله - ارزش علم دادرسی - دادرسی حجیت علم قاضی

پیش‌گفتار

حقوق انسان‌ها در طول دوران بشریت در معرض تضییع قرار داشته و همواره انسان‌هایی بوده‌اند که به سبب زیاده‌خواهی تفکرات شوم خود را به واسطه نقشه‌های متفاوت و به منظور دست‌یازیدن به حق سایر افراد جامعه جامه عمل پوشانده و در این بین از هیچ‌گونه اقدام یا عمل مزورانه کوتاهی نکرده‌اند. قانونگذار هر کشور صرف‌نظر از حقوق طبیعی که برای هر شخص وجود دارد، حقوق متعددی را برای اشخاص به رسمیت شناخته است. یک جنبه از علم حقوق مطالعه حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر است. اما جنبه دیگر از علم حقوق که باید آن را مهمتر از جنبه اول دانست، توانایی اثبات این حقوق و آشنایی با قواعد اثبات می‌باشد. چه بسا حق‌هایی که در مرحله ثبوت وجود دارند، لیکن به واسطه عدم توانایی مدعی در اثبات آن‌ها، توسط دادگاه‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شوند. لذا بر هر حقوقدانی لازم است که بر مباحث ادله اثبات دعوا احاطه داشته و به موضوعاتی همچون نحوه جمع‌آوری دلیل، قدرت اثباتی دلیل، ارزش اثباتی دلیل، تشریفات ارائه دلیل و مباحث تعارض ادله اثبات دعوا تسلط داشته باشد.

اعمالی که در تمام ادیان و جوامع مزموم بوده و دستورات الهی و در تعاقب آن تamenیات انسانی ناشی از به وجود آوردن رشته حقوق و تصویب قوانین و مقررات در برخورد و جنگ با آن افراد و اعمال آنها بوده است.

فصل اول : کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه:

علم قاضی همانا، اطلاعات و دانسته‌هایی است که او در خصوص موضوع پرونده کسب می‌کند. آنچه در حقوق، مبنای اصدار رای است یقین قاطع قاضی است که باید از طریق دلایل دیگر حاصل شود. سوال مطروحه در مبحث ادله اثبات دعوا این است که آیا قاضی قادر است به علم خود عمل کند یا خیر؟ در میان ادله قانونی، یعنی سند و اقرار علیه خود و شهادت و سوگند، ممکن است علم قاضی دارای جایگاه ویژه‌ای باشد.

علم قاضی در واقع به معنی اصدار رای بر اساس علم شخص دادرس است که مبنای آن امارات قضایی هستند، که ممکن است در قانون ذکری از آنها نشده ولی برای او بواسطه ظن حاصل شده باشد؛ به شکلی که قاضی عادل در جریان اختلاف مطلع رسیدگی قرار گرفته و به نحوی از انحاء به موضوع علم یقینی پیدا کرده باشد. ولی در هر صورت علم تحصیلی از این طریق باید مستند به ادله ای باشد که این ادله را می‌توان امارات قضایی نامید. چنانکه ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی اذعان می‌دارد: از جمله الزامات رأی دادگاه (هرچند مبنای صدور رای علم دادرس باشد) اما جهات و مستندات و اصول و مواد قانونی که حکم بر اساس آن انشاء شده باید تصریح گردد. امور انتزاعی که به ذهن هر دو طرف رسیده، آنچه که انسان‌های مزور در ذهن پلید خود می‌پروراند تا با عمل به آن به حقوق حقه دیگران تجاوز نمایند و در مقابل آن، افکار سپید و سالمی است که از ذهن انسان‌های آزاده و وارسته در جهت مقابله با پلیدی‌ها عبور می‌کند و همواره این دو فکر از ازل تا ابد در تعارض و ستیز بوده و هستند و خواهند بود.

۱-۲ بیان مسئله:

در حقوق جزا اثبات جرایم که مهمترین وظیفه حکومت و در معنای خاص دستگاه قضایی است، نیازمند ادله اثبات می‌باشد. دلیل به هر نوع وسیله ای گویند که برای اثبات امری و یا موضوعی دعوایی بکار می‌رود. غایت این ادله کشف واقع و راهنمایی قاضی در صدور حکم است. حال سؤال اساسی این است که تعارض علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوا چگونه می‌باشد؟ آیا این ادله اثبات حق یا دعوا از باب طریقییت جعل شده اند یا از باب موضوعیت؟ و چنانچه طریقییت دارند، آیا قاضی با استفاده از آنها در کشف واقع تلاش می‌کند و ملزم به تبعیت از ادله ابرازی نیست؟ به نظر می‌رسد آنچه مهم است و مناط صدور حکم محسوب می‌گردد رسیدن قاضی به «علم عادی» و «اقناع وجدانی» است که این امر از طرق مختلف می‌تواند به دست آید. قاضی ملزم نیست بر اساس ادله موجود در پرونده علیرغم عدم دستیابی به اقناع وجدانی حکم صادر کند. او می‌تواند آزادانه دلیل را

مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد و در صورت پذیرش بر اساس مدلول آن ادله رأی صادر کند. هدف رسیدن به واقع است و ادله طریق و راه وصول به آن است. در این فرض با پذیرش نظام دلایل قانونی نیز، ادله طریقت دارند. همین که قاضی اقناع وجدانی پیدا کرد، می تواند حکم صادر کند ولی حکم او باید در قالب و مبتنی بر ادله ای باشد که قانون تعیین کرده است؛ چنانچه اقناع قاضی در این قالب قرار نگیرد نمی تواند حکم به محکومیت متهم صادر کند.

در دادرسی های امروزه جدای از ادله اثبات دعوی مشاهده می گردد که قضات صرف نظر از ادله ابرازی اصحاب دعوی به علم خود اصدار حکم می نمایند لذا در این وضعیت با توجه به دلایل تقدیمی آیا دادرس حق استناد به علم خود را دارد هر چند این علم در تعارض با ادله اثبات باشد. بعبارت دیگر چنانچه علم و آگاهی دادرس که از طرق متعارف بدست آمده با دلایل موجود در پرونده متعارض باشد رجحان دارد و در صورت ارجحیت چگونه قابل استناد است یا چگونه این گونه آراء در مراجع بالاتر قال پذیرش هستند. از این رو در این پژوهش به بررسی تعارض علم قاضی با سایر ادله دعوا خواهیم پرداخت.

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش:

اهمیت این موضوع در دعاوی در جایگاه صدور آراء مشخص می گردد در حالیکه احد از اصحاب دعوی دلایل محکمه پسند ارائه نمود ولی در رای صادره قاضی بنابر علم خود حکم می دهد لذا این نوع حکم در چه جایگاهی قرار دارد و دارای وجاهت قانونی هست یا خیر؟

۱-۴ سوالات

۱- ارزش اثباتی علم قاضی در دعاوی حقوقی به چه نحو است؟

۲- در صورت تعارض بین علم قاضی با ادله اثبات دعوی کدام یک ارجح و مقدم است؟

۱-۵ فرضیه تحقیق

۱- به نظر می رسد با توجه به قانون مجازات اسلامی تمامی ادله اثبات دعوا در برابر علم قاضی طریقت دارند و مهم این است که این ادله منتهی به علم قاضی شود.

۲- علم قاضی یکی از دلایل اثباتی در دعاوی کیفری و حقوقی است که در نتیجه تفحص، کاوش و تحقیقات دادرس در پروندههای ارجاعی برای وی حاصل میشود.

۱-۶ اهداف پژوهش:

۱-۶-۱ اهداف غایی:

در زمان تعارض بین علم دادرس و سایر ادله اثبات کدام یک دارای ارجحیت است اما شرایط این علم بعنوان یک دلیل چیست؟

۱-۶-۲ اهداف عینی:

در رسیدگی های دادگاه و توجه به دلایل می تواند اطلاعاتی را که دادرس در موضوع رسیدگی دارد مد نظر قرار دهد و با توجه به آن علم روند پرونده را پیش برده رای صادر کند.

۱-۷ پیشینه پژوهش

در خصوص ترجیح علم قاضی بر ادله تحقیقات جامعی صورت نگرفته صرفا در قانون مدنی در ماده ۱۳۳۵ و در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۱ به علم قاضی جهت صدور رای استناد نموده است در حالیکه در کتب فقهی در این خصوص تعداد زیادی از فقها نظراتی دارند که قابل تامل است اما اینکه آقای رحمانی عمران در دانشگاه شهید بهشتی در رابطه با ارزش اثباتی علم قاضی و آقای سید عبدالفضل موسویان در خصوص قلمرو حجیت علم قاضی در مقالات جداگانه ای قلم فرسایی نموده اند.

۱-۸ جنبه جدید و نوآوری پژوهش:

هر چند فقها در این موضوع اظهار نظراتی دارند اما در تحقیقات صورت گرفته در خصوص اثبات دعوی به علم قاضی و تعارض آن با سایر ادله و خصوصا تشخیص ارجحیت هر کدام از آن ها در نظام حقوقی مطالب خاص و قابل تامل مشاهده نگردید.

۱-۹ روش پژوهش و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور انجام این تحقیق در بدو امر استفاده از کتب تخصصی حقوقی و فقهی مرتبط با موضوع متعاقبا استناد به آراء صادره از شعبات مختلف قضایی و در صورت امکان اخذ و تدوین نظرات قضات صاحب نظر به جهت کاربردی بودن تحقیق مورد نظر است.

با مطالعه مطالب فوق الذکر تطبیق مراتب با یکدیگر با توجه به قانون و حتی نظر نگارنده و رویه های موجود در مراجع قضایی لذا ممکن است در تجزیه و تحلیل هم از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی در تفسیر ایده ها و تجارب افراد در ارتباط با موضوع و سایر مکتوب ها و نوشتارها استفاده شود.

۱-۱۰ ساختار پژوهش

پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین گشته است. فصل نخست از پژوهش به کلیات این تحقیق اختصاص داده شده که در بر گیرنده : توصیف و بیان مسائل مطروحه ، آنچه که اهمیت این تحقیق را نشان می دهد، سوال ها و فرضیه های پژوهش، اهداف و روش پژوهش است. در فصل دوم نیز به تعریف اصطلاحات و مفاهیم پرداختیم. فصل سوم نیز به بررسی ادله موافقین و مخالفین علم قاضی و فصل چهارم نیز به بررسی تعارض ادله اثبات دعوی با علم قاضی و ترجیح علم بر ادله اختصاص یافته است، فصل پنجم نیز شامل نتیجه گیری و منابع پژوهش است.

فصل دوم: مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

۲-۱ مقدمه

بحث ارزش و مبنای اثباتی دانستن علم قاضی یکی از اصول مهم امر قضاوت می باشد و اغلب فقها از گذشته تا حال، نظرات خود را در اطراف آن بیان کرده و اکثر بزرگان شیعه، حجیت علم قاضی را در اثبات امور ارجاعی به قاضی و جرایم با ذکر دلیل خود پذیرفته اند اما برغم اینکه موضوع استناد به علم قاضی تحت عنوان دلیل اثبات دعوی از گذشته‌های دور میان فقها مورد بحث و در مباحث فقه و حقوق در حوزه‌ها مطرح بوده است اکنون نیز در اعتبار علم شخص قاضی بعنوان یک دلیل در فقه امامیه اختلاف است

۲-۲ مفهوم اثبات

اثبات در لغت به معنای ثابت و استوار گردانیدن و پا بر جا کردن است^۱ (دهخدا، ۱۳۷۳: ۸۵۵) و در علم حقوق غالباً در مقابل ثبوت به کار می رود. برخی از اساتید علم حقوق مرحله ثباتی موضوعی را، مرحله رفع ابهام از آن دانسته اند ولی این احتمال وجود دارد موقعیت اثبات همانند موقعیت ثبوت و واقعیت نباشد.^۲ (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵) همچنین دکتر لنگرودی چنین مرقوم نموده اند علم و دانش انسان گاهی مطابق وقایع خارجی است و گاهی مخالف آن، یعنی گاهی انسان در جستجوی علمی نسبت به یک موضوع خاص و یک واقعه مخصوص اشتباه می کند. آیا آن جا که اشتباه می کند، واقعیت تغییر می کند. نه. مرحله واقعیات که مستقل از علم و دانش‌ها برای خود وجود دارند مرحله ثبوت نامیده می شود. مرحله اطلاع و علم و کشف ما به هر وسیله‌ی ناهنجار که تصور کنید و به هر صورت که در اختیار بشر بوده و هست و خواهد بود مرحله اثبات گفته می شود متعاقباً امکان دارد اثبات مانند ثبوت نباشد و ممکن است باشد. «آن جا که حکم دادگاه مطابق واقع باشد اثبات مطابق ثبوت است و آن جا که مطابق نباشد، اثبات مطابق ثبوت نخواهد بود»^۳ (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۰۶)

^۱ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران ..

^۲ جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوقی، تهران، انتشارات گنج دانش .

^۳ جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲) دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات امیر کبیر .

آیا قانونی هست که دریافت وجه را به عنوان یک وسیله برای جبران رنج های روانی و عاطفی مباح گرداند؟ آیا متهم به ارتکاب جرم اقرار به جرم نموده است؟ آیا سندی که به دادگاه ارائه شده دارای اصالت است؟ آیا وارث وصیت نامه مستند دعوی را جعل نموده است؟ و مانند آنها، در این مرحله، محقق با ابزارهای رسیدن به واقع مواجه است، پدیده هایی که ارزش آن ها ذاتی نیست و تنها از این جهت معتبر است که علت راه یافتن به واقعیت و نمایانگر رویدادی است که اثر مطلوب حقوقی را به همراه خود دارد، همچون مشعل هایی که جلو دار عقل می گردند تا راه خود را مجدداً باز یابد یا آیاتی که مسیر حرکت عقل به سوی واقع هستند، را تعیین می کند.^۱ (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۳)

لذا اثبات به معنای ثابت گردانیدن، پابرجا نمودن و وجود امری را به اثبات رساندن می باشد پس اثبات متعاقب ثبوت است. ثبوت تحقق امری در عالم واقع و اثبات تحقق امر و موضوع در مرحله استدلال است. هر حقی نیازمند قدرت اثبات می باشد. اگر توانایی و قدرت اثبات حق وجود نداشته باشد چه بسا مورد احترام قرار نگیرد لذا مرحله ثبوت حق؛ مرحله وجود واقعی حق است و مرحله اثبات؛ مرحله نمادین و محرز ساختن آن حق، در دادرسی و نزد دادرس است و دارنده واقعی حق اگر حقی در معرض انکار قرار گیرد، باید با ادله آن را ثابت کند و اگر ادله ای نداشته باشد، مانند کسی خواهد بود که اصلاً محق نیست و در این صورت برغم آنکه در مرحله ثبوت، صاحب حق بوده، در مرحله اثبات صاحب حق شناخته نخواهد شد. حقوق مدنی، حق را در زمان ثبوت مشخص و محرز می نماید. شما اگر وامی دادید ولی دلیلی برای اثبات ندارید مانند آن است که در مرحله ثبوت مستحق هستید، ولی در مرحله اثبات قادر نیستید که آن را به اثبات برسانید و همین طور ممکن است، حقی در مرحله ثبوت وجود نداشته نباشد، ولی کسی بتواند با توسل به ادله، آن را به اثبات برساند، دلیلی که بدون داشتن اصل حق، اما مدعی برای خود محفوظ داشته است. به طور کلی ادله از جهت آثار اثباتی دو گروه هستند. یک دسته ادله ای که برای دادگاه مفید و محکمه پسند قرار می گیرند یعنی علم قاضی را در پی خواهد داشت و حصول علم قاضی مرحله اوج و تکامل در یک دادرسی است، عبارت دیگر اگر قاضی به مرحله ای از اثبات حق برسد که علم و یقین پیدا کند، بدون هیچ نگرانی حکم صادر می کند و غالب نگرانی ها در امر قضاوت به لحاظ آن است که علم به واقعیت نداشته مع الوصف به حکم قانون باید اتخاذ تصمیم نمایند مثلاً در طرح دعوایی خواهان مدعی ملک خود که در تصرف خوانده است بوده، ادعای طلب می نماید و در مقابل خوانده منکر تصرفات خود است، دادگاه بر اساس قرار معاینه محل، ملک را با حضور طرفین بازدید و مشاهده میدانی مینماید که خوانده در همان ملک متعلق به خواهان اقامت دارد یا خیر؟ و لوازم او در آن جا است؟ و به صحت یا عدم ادعای خواهان نفی یا اثبات قطع و یقین و علم حاصل میکند و بر اساس آن علم رای صادر می کند.

^۱ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان .

گروه دیگر که شامل اغلب ادله می شود دسته ای هستند که مفید به ظن می شوند، همچون اقرار و شهادت، که دادرسی از مودای گواهی یا اقرار، هیچگاه علم قطعی و یقینی بدست نیاورده تحصیل نمی کند بلکه استفاده ظن می نماید بدان معنی علم و اطلاعی که دادرسی از گواهی گواهان کسب می نماید، در معرض تکذیب و خدشه قرار دارد به طوری که هم کذب شهادت و هم کذب اقرار ممکن است ثابت شود و اعتبار و آثار آن اقرار و شهادت مخدوش و از بین برود با این وجود به حکم قانون، دادرسی باید در جایگاه جهل به موضوعات مختلف فیه، به ظن حاصل از اقرار و شهادت توجه نموده و آن را کاشف از واقع قلمداد نماید، البته این کشف از واقعیت که به حکم قانون گذار تبیین و مقرر شده مانند دلایل مفید علم قطعی و الزام آور هستند تام، و جامع نبوده و به جهت احتمال وجود خلاف در آن، ناقص و قابل خدشه است. وقتی که قاضی مستند به تصرف که از امارات قانونی هست حکم به مالکیت شخص متصرف اصدار میکند تصرف یک وضعیت ثابت و مشهودی است که قاضی به استناد آن مالکیت را احراز مینماید اما خلاف آن هم با دلیل قابلیت اثبات دارد این گونه امارات را قانون گذار ابداع یا اختراع ننموده بلکه بین مردم متداول بوده و جریان داشته و قانونگذار چون به نحو غالب آن را کاشف از واقعیت تشخیص داده تنفیذ و امضاء و تایید نموده است. (همان، ۸۰)^۱

۲-۳ مفهوم علم

تعاریف گوناگونی در دیدگاه های مختلف از علم ارائه شده که از میان آن ها، آنچه که مناسب بحث حاضر می تواند باشد، تعریفی است که امور احتمالی و غیر متیقن را از دایره علم خارج مینماید. مانند تعریف صاحب کشف الظنون در مقدمه کتاب خود که چنین می نگارد « العلم حصول معنی فی النفس حصولا لا یترق علیه فی النفس احتمال کونه علی غیر الوجه الذی حصل فیه» که وی نیز از آمدی نقل کرده است. (همان: ۱۶)^۲

مرحوم سید مرتضی (علم الهدی) هم در کتاب «الذریعه» در تعریف علم آن را به چیزی که موجب سکون نفس باشد تعبیر کرده و حالت معقولی که انسان در نفس خویش به هنگام مشاهدات خود می یابد، دانسته است. حالت نفسانی دادرسی در قبال قضایایی که در دوسیه های گوناگون با آن مواجه می گردد، از چند وجه خارج نیست: وجه اول اینکه یا هیچ شناختی نسبت به صحت و سقم آن مهم ندارد که این حالت را همان جهل گویند و یا در وجه دوم با مطالعه و مذاقه در اوراق پرونده در وضعیتی قرار می گیرد که دو کفه ی تراویز نفس و وجدان او از حیث صحت و سقم موضوع مطلع رسیدگی برابری نموده و هیچ کدام بر دیگری سنگینی، برتری و ترجیح ندارد که این حالت را شک و

^۱ همان ۸۰:

^۲ همان ۱۶: